

# تحولات بازار نفت، تغییر چشم انداز و ضرورت تجدید ساختار اوپک

پهروز صحنه

هدف این پژوهش، ارائه بهترین ابزار برای حفظ منافع و تأمین حقوق کشورهای عضو اوپک در کناکشنهای اقتصادی و بویژه در بازار انرژی با توجه به پیشینه تاریخی اوپک و چشم اندازهای فرارو است.

## پیشینه

در سالهای پس از ۱۹۷۰، رویدادهایی سیاسی چون سرنگونی رژیم پادشاهی در لیبی، تحریم نفتی اعراب در ۱۶ اکتبر ۱۹۷۳، پیروزی انقلاب اسلامی ایران و در پی آن درگیری نظامی ایران و عراق و... به تکانه‌های نفتی انجامید و سبب شد که بسیاری از اقتصاددانان، با انرژی یعنی چهارمین عامل تکمیل کننده تولید در اقتصاد (جدا از زمین، سرمایه، نیروی کار) روبه‌رو شوند و دریابند که بی‌عرضه کافی و مناسب انرژی، توسعه و رشد اقتصادی امکانپذیر نخواهد بود.

از سوی دیگر، در چندین سال گذشته، پیشرفت‌های چشمگیری در عرصه اقتصاد و تکنولوژی رخ داده است که سبب دگرگونیهای بنیادی در ساختار صنعت نفت بویژه در کشورهایی که منابع سرشار نفت دارند (۵ عضو اصلی اوپک) شده است.

بهبود شیوه‌های بهره‌گیری از سوخت و رویکرد به دیگر منابع انرژی، کاهش نرخ رشد تقاضای جهانی و در نتیجه کاهش نرخ رشد مصرف نفت در برابر افزایش تولید و... در چند سال اخیر رخ نموده است.

در کنار این عوامل، قیمت‌های بالای نفت نیز باعث شده است که در آن دسته از کشورهای نفت خیز خارج از اوپک

در عرصه اقتصاد جهانی، در آمد از محل صدور نفت بخش بزرگی از درآمدهای ارزی کشورهای صاحب نفت را تشکیل می‌دهد و هرگونه نوسان در بهای آن بر درآمدهای ارزی این کشورها اثر می‌گذارد و برنامه‌های آنها را با مشکل روبه‌رو می‌سازد. بر این پایه نگرانی کشورهای تولیدکننده نفت از نوسان بهای نفت و بویژه کاهش آن و همچنین بالا رفتن آگاهی‌های سیاسی، اقتصادی و حقوقی این کشورها را می‌توان عاملی دانست که باعث شد در سال ۱۹۶۰ سازمان کشورهای صادرکننده نفت «اوپک» تشکیل گردد. بر این پایه، عملکرد اوپک عنصری مؤثر در ارزیابی دست یافتن یا نیافتن این کشورها به هدفهایشان خواهد بود. از سوی دیگر، ساختار سازمانی اوپک را نیز می‌توان عاملی مؤثر در عملکرد این سازمان دانست که در گذر زمان به رغم دگرگون شدن عواملی چون بازار نفت، نبود اطمینان محیطی، تکنولوژی و دیگر عوامل از جمله سیاست کشورهای بیرون از اوپک، دست نخورده مانده است و چنین می‌نماید که در طراحی ساختار سازمانی اوپک متغیرهای محتوایی نقش چندانی نداشته است.

از سوی دیگر، اعمال نفوذ قدرتهای بزرگ در بازار نفت به سبب وزن استراتژیک انرژی سبب شده است که برنامه‌های توسعه‌ای کشورهای تولیدکننده نفت با مشکل روبه‌رو گردد.

در کنار عوامل یاد شده، اعضای این سازمان در سایه ضعف زیرساختهای اقتصادی و نهادینه نشدن الگوهای تاریخی توسعه، نه تنها در زمینه تقویت یا تغییر قوانین نظام اقتصادی جهانی تأثیری کم‌رنگ داشته‌اند، بلکه نقش مؤثری نیز در مشارکت یا ادغام خود در این فرایند ندارند.

اما در زمینه عرضه، دو عامل تکنولوژی و بهای بالای نفت اوپک باعث افزایش تولید نفت حتی با هزینه بالا بویژه در ایالات متحده آمریکا و جمهوری های تازه استقلال یافته شوروی سابق شده است. پیشرفت تکنولوژی اکتشاف، بویژه در نقشه برداری زلزله ای سه و چهار بعدی، ریسک حفاری و برداشت از ذخایر تازه را به گونه چشمگیر کاهش داده است. ذخایر کشف شده همچنان افزایش می یابد و این روند در کاهش هزینه بسیار اثر گذار است. پیشرفت تکنولوژی در زمینه کشف نفت در ۱۰ سال گذشته هزینه ها را بیش از ۵۰-۴۰ درصد کاهش داده است. همچنین به علت تکانه های بهای نفت اوپک، تولید نفت بیرون از چار چوب اوپک، بویژه در ایالات متحده آمریکا و جمهوری های تازه استقلال یافته شوروی سابق از ۲۰ درصد به بیش از ۴۰ درصد کل تولید جهان رسیده است.<sup>۴</sup>

سیاست های درونی اوپک نیز از گروهی به گروه دیگری از اعضا متفاوت است. کشورهای دارای منابع کوچک نفتی بی توجه به توانایی افزایش ظرفیت بالقوه تولید، علاقمند به رشد تقاضای جهانی برای نفت اوپک نیستند زیرا نمی توانند از سود در بازار جهانی سهم زیادی داشته باشند. بنابراین هدف اصلی آنها رسیدن به بیشترین درآمد ممکن از راه قیمت های بالا است. برعکس، پنج کشور دارای منابع عمده نفتی همراه با امارات متحده عربی می توانند سیاست های دراز مدتی که آنها را با استراتژی های گوناگون هماهنگ می سازد، در پیش گیرند زیرا پیشینه سازی درآمد در این شش کشور نه تنها از راه افزایش قیمت بلکه از راه بالا بردن حجم تولید نیز ممکن است. بنابراین آنها از افزایش بالقوه وسیع ظرفیت تولیدی استقبال خواهند کرد. اما درآمد نفتی بیشتر برای کشورهای دیگر می تواند از راه افزایش سهم در بازار نیز به دست آید.

که به علت بالا بودن هزینه استخراج، نفت از آنها استخراج نمی شده، استخراج نفت به صرفه شود و در این زمینه سرمایه گذاری صورت گیرد.<sup>۲</sup>

از سوی دیگر، رژیم و سیستم قیمت گذاری اوپک از طریق سهمیه و تقسیم تولید که به بالا بودن بهای نفت اوپک انجامیده و به دنبال آن افزایش چشمگیر عرضه نفت از سوی کشورهای غیر عضو اوپک، این نتیجه را به بار آورده است که سهم اوپک در تأمین نیازهای نفت جهان کاهش یابد. بی گمان پیشرفت های چشمگیر در زمینه تکنولوژی و بهره گیری مؤثر تر از سوخت، کاربرد سوخت مختلط و باطری، ساخت ابزار های جابه جایی با پیل سوختی، بهره گیری از LPG, LNG و GTL، انتقال تکنولوژیک اطلاعات بویژه از راه اینترنت و... رشد اقتصادی جهان، اجرای سیاست های مالی در کشورهای مصرف کننده نفت برای بهره گیری بهینه از سوخت، تشکیل آژانس بین المللی انرژی، فشار محافل پشتیبان حفظ محیط زیست و... همه در راستای کاهش مصرف نفت خام بوده است و رسیدن به اهداف پروتکل کیوتو، وضع مالیات بر کربن با هدف کاهش چشمگیر انتشار دی اکسید کربن و روند رو به رشد قیمت های نفت اوپک سبب کاهش بیشتر نرخ رشد تقاضای جهانی برای نفت خواهد شد.

بهای بالای نفت اوپک مانعی در راه رشد طبیعی مصرف است. از دید تاریخی نیز ثابت شده است که افزایش مصرف نفت جهتی مخالف قیمت دارد. به سخن دیگر، اگر اوپک روند کنونی بهای نفت را ادامه دهد این خطر وجود دارد که تقاضا حتی بیشتر از اندازه مورد انتظار کاهش یابد<sup>۳</sup> و اگر چنین شود مهمترین ناحیه آسیب پذیر، آسیای جنوب شرقی خواهد بود. گفتنی است که بخش بزرگی از افزایش تقاضا در سال های ۱۹۹۷-۱۹۹۲ نیز از این بخش از جهان بوده است.

## جدول (۱)

ذخایر اثبات شده در جهان (میلیون بشکه)					
سال	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳
ذخایر اثبات شده کل <sup>۱</sup>	۱۰۶۳،۳۴۳،۳۰	۱،۰۸۴،۴۴۳،۴۰	۱،۰۹۱،۱۸۰،۰۰	۱،۱۲۶،۱۰۸،۰۰	۱،۱۳۷،۵۴۹،۸۰
جهان					
تولید جهانی نفت (هزار بشکه در روز)					
سال	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳
تولید جهانی نفت	۶۳،۴۰۲،۷۰	۶۵،۶۶۳،۲۰	۶۵،۳۰۲،۳۰	۶۳،۹۳۳،۸۰	۶۷،۰۹۰،۰۰

مأخذ: گزارش سالانه اوپک ۲۰۰۳

بیلیون بشکه یعنی ۶۲ درصد ذخایر اثبات شده نفت جهان بود که این مقدار در سال ۱۹۷۵ به ۴۸۵ بیلیون بشکه یعنی ۶۸ درصد ذخایر اثبات شده نفت رسید. امروزه ذخایر نفت در جهان به بیش از یک تریلیون بشکه یعنی نزدیک به ۴ برابر آن در سال ۱۹۶۰ می‌رسد که سهم اوپک از آن بیش از ۷۰ درصد است.

هر چند سهم نفت از انرژی مورد نیاز جهان که در سه دهه گذشته نزدیک به ۵۵ درصد بوده دگرگون شده و امروز این مقدار به کمتر از ۴۰ درصد می‌رسد، اما نفت همچنان مهمترین منبع انرژی جهان به شمار می‌رود و این امر می‌تواند نقش اوپک را بعنوان بازیگری برجسته در زمینه رشد اقتصادی همچنان محفوظ دارد.

اقتصاد جهانی نیز در سنجش با چهار دهه گذشته یعنی نخستین سالهای پس از برپایی اوپک، بسیار گسترده‌تر و پیچیده‌تر شده است. همچنین، نظام قیمت گذاری‌های منطقه‌ای به سوی قیمت‌های تعیین شده از سوی بازار نفت دگرگون شده است. بازار جهانی نفت و مناسبات در آن نیز نسبت به چهار دهه گذشته تفاوت چشمگیری یافته و تشنه‌هایی که میان کشورهای عضو اوپک و شرکتهای بین‌المللی نفتی وجود داشته، و همچنین رقابت‌های موجود میان تولیدکنندگان عضو اوپک و غیر عضو اوپک در چارچوب روابط مسالمت آمیز دگرگون شده است.<sup>۶</sup>

از سوی دیگر، باید پذیرفت که تنوع و دگرگونی تقاضای نفت در جهان به علت مشکلات فصلی و شرایط اقتصادی به همان اندازه که در دگرگونی عرضه اوپک اثر می‌گذارد بر عرضه غیر اوپک نیز اثرگذار است. بنابراین تلاش برای

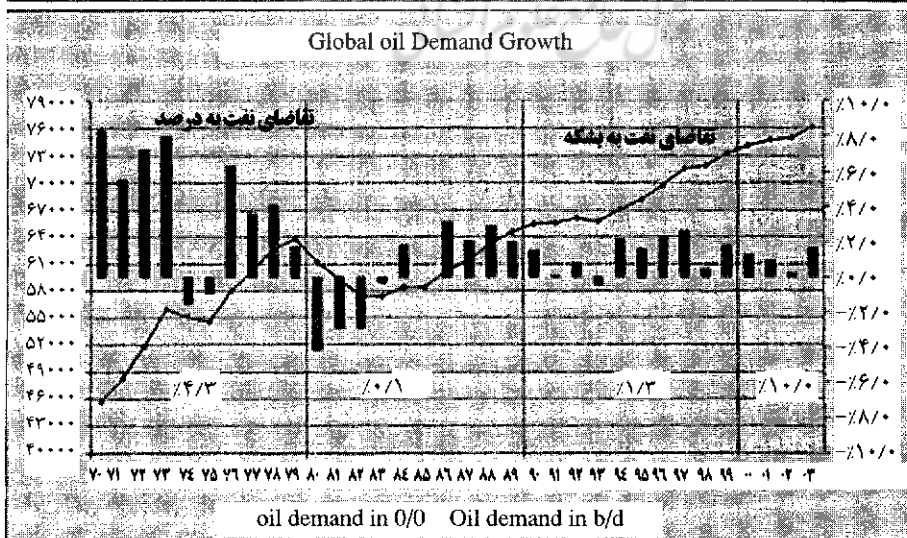
اگر این گونه استراتژی درازمدت مورد توجه باشد، ساختار کنونی اوپک می‌تواند مانعی بر سر راه آن به شمار آید زیرا کشورهای دارای منابع نفتی محدود همواره برای قیمت‌های بالاتر به اوپک فشار خواهند آورد بی آنکه به مقادیر توجه داشته باشند؛ و تنها «پنج کشور اصلی» به سهم بیشتر در بازار در آینده گرایش خواهند داشت. از این رو، این روند نیازمند تغییر ساختار اوپک در کنار سازمانی انحصاری برای پنج عضو اصلی (و شاید با امارات متحده عربی) است که به دیگران نیز برای پی گیری سیاستها در تولید و قیمت گذاری، همسو با نیروهای بازار اجازه فعالیت داده شود. این شیوه، کار را برای پنج کشور بزرگ نیز آسانتر خواهد کرد تا از راه تنظیم تولید خودشان به قیمتی بهینه برسند.

### اوپک و تغییر چشم انداز انرژی جهان

اوپک با همه مشکلات موجود، تا امروز توانسته است ثبات خود را حفظ کند و خود را با شرایط موجود همخوان سازد. اما در حال حاضر چنین می‌نماید که با چالشهای متفاوتی روبرو گشته و با در نظر گرفتن خود بعنوان بازیگر اصلی در بازار نفت و اقتصادهای وابسته به آن، اهمیت و نقش اقتصادی کشورهای عضو را به فراموشی سپرده و از سوی دیگر به جایگاه خود در بازار جهانی نفت کمتر توجه دارد.<sup>۵</sup>

به هر روی یویایی اوپک را می‌توان در دو عامل دید: نخست، سهم اوپک در منابع طبیعی نفت جهان در کنار در نظر گرفتن سهم نفت در انرژی مورد نیاز جهانی. هنگامی که اوپک در سال ۱۹۶۰ تشکیل شد، ذخایر نفت اوپک ۱۹۷

نمودار (۱): روند تقاضای نفت و درصد تغییر آن



Source: WWW. bu. edu

تغییراتی در ساختار اوپک و چگونگی تصمیم‌گیری و مدیریت آن بر نندزیرا واقعیت این است که سیاستهای دهه ۷۰ و ۸۰ دیگر نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای امروز باشد.

### اعضای اوپک و مشکلات پیش رو

در میان کشورهای عضو اوپک دو گروه عمده به چشم می‌خورد: گروه نخست دربرگیرنده کشورهای چینی، ایران و الجزایر است که درباره تعیین سهمیه و بهای نفت دیدگاههایشان به یکدیگر نزدیک بوده و همخوان است، و گروهی دیگر به رهبری عربستان که دانسته یا ندانسته با اقدامات خود به کاهش بهای نفت کمک کرده‌اند. بنابراین وضع اوپک در زمان حال و آینده به عملکرد این دو گروه وابسته است و از سوی دیگر وضع ذخایر نفتی و گازی بیرون از اوپک و دیگر انرژیها نیز در آینده نقش چشمگیری خواهد داشت.

رعایت نشدن سهمیه تعیین شده از سوی برخی اعضا مانند عربستان، کویت و امارات باعث بی‌اثر شدن مصوبات، کاهش قیمت نفت و تضعیف اوپک شده و در کنار آن اختلافات دیرینه میان برخی از اعضا (ایران و عراق، عربستان و قطر، عراق و کویت، ایران و امارات و...) نیز به دشواری و پیچیدگی هر چه بیشتر کارها و از جمله در زمینه توافق میان اعضای اصلی سازمان انجامیده است.

احتمال خروج برخی از اعضای کوچک اوپک به علت هزینه سنگین عضویت و آثار بدروانی برخاسته از آن نیز دور از ذهن نیست.<sup>۱۰</sup>

حضور نیروهای غربی به سرکردگی آمریکا در منطقه خلیج فارس که به استیلاي آنها بر چاههای نفت منطقه انجامیده است، سبب وابستگی بیشتر سیاسی نظامی عربستان، کویت، امارات، قطر، عمان و بحرین (کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس) به غرب بویژه آمریکا پس از جنگ نفت و پدید آمدن گونه‌ای احساس بدهکاری به غرب در این کشورها شده است.

بدهی برخی کشورهای عضو اوپک مانند ونزوئلا، الجزایر، اندونزی به بانک‌های غربی و کسری تراز پرداختهای این کشورها موجب نیاز بیشتر آنها به درآمدهای ارزی می‌شود. روند رو به بالای رشد جمعیت در کشورهای عضو اوپک و نیاز روزافزون آنها به درآمد بیشتر نیز گرایش به تولید بیشتر را افزایش خواهد داد.

### ضرورت و امکان تجدید ساختار اوپک

از آنجا که بیشتر کشورهای مصرف کننده نفت در جهان

متعادل سازی بازار از سوی اوپک باعث می‌شود که نرخ رشد تولید در دیگر نقاط تولیدی جهان افزایش یابد و در واقع افزایش عرضه نفت در دیگر جاها قطعی گردد. بدین سان اوپک متهم به این است که با کاهش تولید خود (برای کنترل قیمتها)، باعث افزایش عرضه در نقاط گوناگون جهان می‌شود.

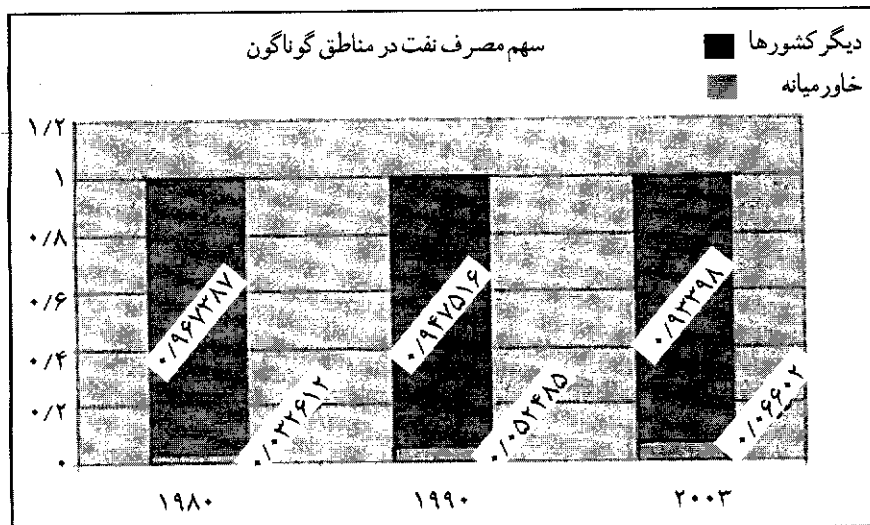
دوم اینکه، برخلاف گذشته، کمتر از ۴۰ درصد از GDP یا تولید ناخالص ملی جهان به نفت وابسته بوده و نیاز به انرژی نفتی نیز در جهان نسبت به چند سال گذشته نزدیک به ۲ درصد کاهش یافته است. برای نمونه، هزینه مصرف نفت در آمریکا در حال حاضر کمتر از ۲ درصد از هزینه‌های ملی آن کشور است که این مقدار در سه دهه گذشته ۶ درصد بوده است.<sup>۷</sup> در واقع انرژی کافی و اقتصاد عظیم جهانی نسبت به یکدیگر اثری متفاوت یافته و با کاهش سهم مصرف انرژی نفتی در جهان اثر هزینه‌های انرژی و بویژه نفتی در رشد اقتصادی جهان کمرنگ تر شده است.

از دیگر مسائل مطرح در جهان امروز که با شتاب روبه گسترش است، موضوع جهانی سازی در همه زمینه‌ها است که انرژی جهان و بویژه اوپک را در وضع تازه‌ای قرار داده است. روند دگرگونیها در چند سال اخیر، ضرورت پیش‌بینی رژیم تازه‌ای در زمینه انرژی را برای پاسخگویی به این گونه رقابت‌های جهانی مطرح می‌سازد.

نخستین چالش پیش‌رو، کنار آمدن با تغییر قیمت‌هایی است که می‌تواند برای تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان و رشد صنعت نفت و حتی اقتصاد جهان زیانبار باشد و بی‌گمان این زیان برای کشورهای که وابستگی بیشتری به نفت دارند، بیشتر است.<sup>۸</sup>

همچنین وضع مالیات‌های سنگین بر تولیدات نفتی باعث می‌شود که رفاه مصرف‌کنندگان رفته رفته کاهش یابد و قیمت انرژیها نیز بیش از اندازه معمول آن تعیین شود.<sup>۹</sup> همچنین نگرانی موجود درباره عرضه انرژی و همچنین اقتصاد جهان که به یکدیگر وابسته‌اند توجیه‌ناپذیر است و باید از میان برود.

همه چالشها و موارد یاد شده، مباحثی است که در چند دهه گذشته وجود نداشته یا دستکم به آنها توجهی نمی‌شده است. ولی امروزه این مباحث رنگ و روی دیگری به خود گرفته و باعث شده است که چالشهای بزرگی پیش‌روی کشورهای تولیدکننده نفت قرار گیرد. از آنجا که کشورهای عضو اوپک و خاورمیانه مهمترین کانون تولید نفت در جهان هستند، و نیز با توجه به نیاز بی‌چون و چرای این کشورها به درآمدهای نفتی، ضروری است که آنها در تصمیمات و دیدگاههای خود بازنگری کنند و دست به



سیاست‌های مناسب و تولید بیشتر می‌توانست اعتمادسازی کند، ما شاهد سهم ۴۱/۵ درصدی اوپک از تولید جهانی در برابر ذخایر ۷۷/۸ درصدی آن از ذخایر جهانی نبودیم.<sup>۱۱</sup> مقایسه آمارها در سالهای اخیر با آمارهای مربوط به نخستین سالهای پا گرفتن اوپک آشکار می‌سازد که این متغیرها و بویژه متغیرهای اقتصادی که بر عملکرد اوپک و بازار نفت اثر می‌گذارد در طول سالهای فعالیت این سازمان دگرگون شده است. با بررسی این دگرگونی‌ها و نیز شناسایی متغیرهای اثرگذار بر عملکرد اوپک و بازار نفت و سنجش آنها با یکدیگر در گنر سالها، بهتر می‌توان به مسئله امکان و ضرورت تجدید ساختار اوپک پرداخت. در این بررسی روند کار به گونه‌ای انتخاب شده است که با هدف اوپک هم‌سوی باشد و هدف اوپک را نیز می‌توان در حد اکثر سازی ارزش حال منابع کشورهای عضو اوپک یا به بیانی، بهترین بهره‌برداری از منابع موجود تعریف کرد.

گزینه‌های متغیرها در این بخش نیز به گونه تصادفی نبوده و با توجه به دو پرسش اساسی مربوط به هر یک از اعضا انجام شده است. یکی از این پرسشها ناظر به انعطاف‌پذیری کشورها در زمینه تصمیم‌گیری درباره تولید است. به سخن دیگر، آیا اعضا می‌توانند تولید خود را بی‌هرگونه فشار و اجبار، محدود کنند یا گسترش دهند؟ پرسش دیگر این

فاقد ذخایر نفت هستند، ناگزیر به علت وابسته بودن به این ماده مصرفی، باید از عرضه آزاد آن در آینده اطمینان داشته باشند و با توجه به حجم انبوه ذخایر در کشورهای عضو اوپک، پدید آوردن اطمینان خاطر تنها از سوی اوپک ممکن خواهد بود. از این رو سه مسئله ذخایر نفت، تولید و مصرف در ارتباط با یکدیگر قرار خواهند گرفت؛ یعنی ذخایر، امنیتی از جهت وجود نفت و تولید آن در آینده و اطمینان از بهره‌برداری از این ذخایر را فراهم می‌آورد. بر این پایه، مصرف باعث رشد تولید و بهره‌برداری از ذخایر و تولید نیز به نوبه خود سبب افزایش مصرف خواهد شد.

در این شرایط کشورهای عضو اوپک با داشتن بیش از ۷۷/۸ درصد ذخایر و تنها ۶/۵ درصد مصرف جهان می‌توانند نقش عمده‌ای در راستای اعتمادسازی در زمینه عرضه نفت و تداوم تولید آن بازی کنند.

گذشته از موارد یاد شده، گفتنی است که ایالات متحده، ژاپن و اروپا با داشتن تنها ۴/۷ درصد ذخایر جهان ۱۹ درصد از تولید جهان و کشورهای عضو OECD نیز تنها با داشتن ۸ درصد ذخایر جهان ۲۸/۱ درصد تولید جهان را در دست دارند. این آمارها گویای آن است که این کشورها به علت تردید در امنیت عرضه نفت تلاش کرده‌اند تا حجم قابل چشمگیری از مصارفشان را خود تولید کنند و اگر اوپک با

جدول (۲): ترکیب مصرف انرژی‌های اولیه بر پایه حاملهای انرژی در سال ۲۰۰۲ (درصد)

جمع کل	برق آبی	انرژی هسته‌ای	زغال سنگ	گاز طبیعی	نفت	اوپک
۱۰۰	۳،۴	۰	۴	۴۸،۳	۴۴،۴	اوپک
۱۰۰	۶،۵	۶،۹	۲۶،۷	۲۲،۹	۳۷،۱	غیر اوپک
۱۰۰	۶،۳	۶،۵	۲۵،۵	۲۴،۳	۳۷،۵	جهان

ماخذ: نشریه آماری BP- سال ۲۰۰۳

کشش ظرفیت تولید به عامل سرمایه گذاری، وضع هر کشور را برای جذب سرمایه و توانایی زیرساختهای اقتصادی بیان می کند. کشورهای با زیربنای مستحکم توسعه یافتگی، نیازمند درآمد و نرخ تنزیل داخلی بالا هستند. از سوی دیگر، کشورهای با ظرفیت جذب کنندگی پایین نیازهای اندکی به درآمد کنونی یا نرخ تنزیل داخلی پایین دارند.

داده های مربوط به تراز پرداخت برای سنجش توانایی این کشورها در برابر کاهش درآمد به علت کاهش فروش نفت یا پایین آمدن بهای نفت، سودمند است. از سوی دیگر، تراز پرداخت، شاخص بهتری است که با آن بتوان توانایی هر کشور را در تحمل کاهش درآمد (در مقایسه با شاخص درآمد سرانه) سنجید. این موضوع همچنین از آن رو اهمیت دارد که می توان بازپرداخت بدهی های این کشورها به بازارهای بین المللی سرمایه را ارزیابی کرد. در نتیجه، افزایش ریسک مشارکت وام دهندگان در آینده با توجه به این شاخص مورد بررسی قرار می گیرد.

است که آیا اعضاء می توانند در تصمیمات درازمدت مؤثر واقع شوند یا اینکه تصمیمات کوتاه مدت بر رفتارشان اثر گذار و پر اهمیت است؟

در پاسخ به این پرسشها متغیرهای درج شده در جدول (۳) انتخاب شده است.

برای نمونه، درآمد سرانه شاخصی است که بعنوان سطح استاندارد زندگی در هر کشور تعریف می شود و از سوی دیگر با توجه به این شاخص نیاز هر کشور به منابع خود بارتر می گردد. تولید ملی با درآمد سرانه پایین نشانگر فشار بیشتر به منابع و ذخایر نفتی نسبت به دیگر منابع درآمدی است.

انتظار بهره گیری از منابع تازه در حال حاضر و در سطح تولید کنونی برای هر یک از اعضاء با تصمیمات درازمدت آنها ارتباط است. کشورهایی که انتظار منابع فعال و بیشتری دارند، چندان نگران آینده و بهای نفت نخواهند بود و عکس این حالت نیز باعث نگرانی بیشتر در مورد بهای نفت در کوتاه مدت خواهد شد.

جدول (۳): عوامل مؤثر بر بازار نفت و عملکرد اوپک و بررسی تغییر آنها از آغاز فعالیت اوپک تا کنون

عوامل مؤثر بر بازار نفت و رفتار و عملکرد اوپک (مؤثر بر تجدید ساختار)	تغییر داشته است	ضرورت تجدید ساختار اوپک
تولید ملی	✓	✓
ذخایر نفتی و گازی اوپک و غیر اوپک	✓	✓
انرژی های جایگزین	✓	✓
تقاضای نفت	✓	✓
هزینه حمل و نقل	✓	✓
هزینه استخراج	✓	✓
فناوری	✓	✓
روابط نظامی و سیاسی	✓	✓
روابط تولید کنندگان عضو اوپک و غیر عضو اوپک	✓	✓
روابط شرکتهای نفتی و تولید کنندگان اوپک	✓	✓
قوانین زیست محیطی	✓	✓
سهم تولید اوپک	✓	✓
سهم مصرف نفت از انرژیهای مصرفی جهان	✓	✓
درآمد سرانه	✓	✓
سطح تولید نفت اوپک و کشورهای غیر عضو اوپک	✓	✓
تراز پرداختها	✓	✓
کشش ظرفیت تولید به عامل سرمایه گذاری	✓	✓
اثر همه متغیرها	✓	✓

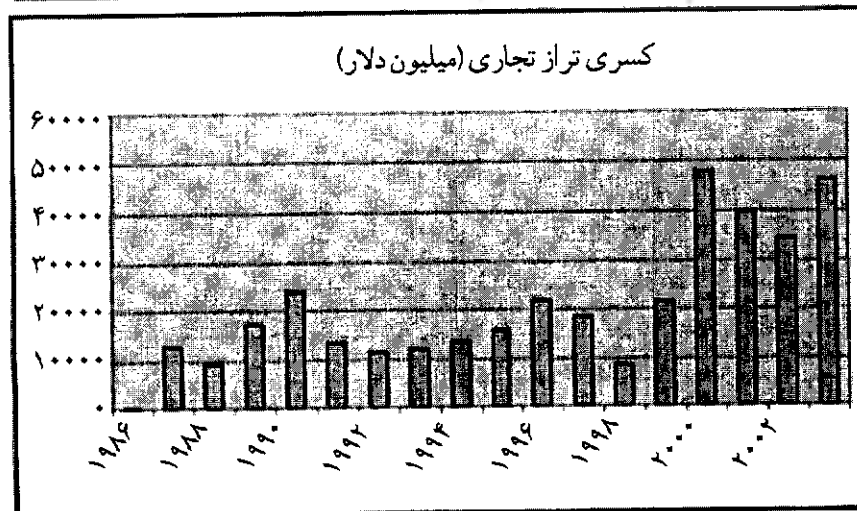
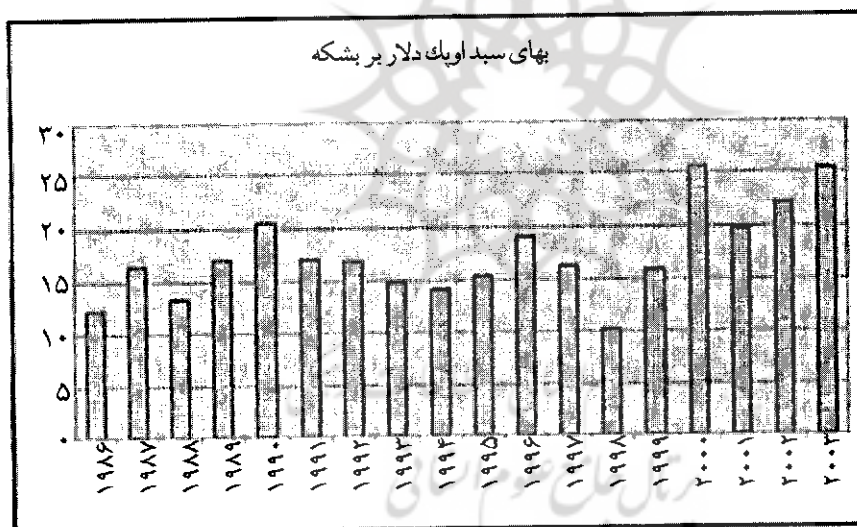
نرخ بهره گیری از ظرفیت یا سطح تولید کنونی نیز توانایی گسترش تولید این کشورها را بیشتر از سطح عادی اندازه گیری می کند. بالا بودن نرخ بهره گیری از ظرفیت، توانایی گسترش تولید را کاهش می دهد. پایین بودن آن نیز عکس این حالت را باعث می شود. این توانایی در درازمدت اهمیت بسیار دارد. نکته دیگر اینکه منظور از گسترش تولید، تولید بیشتر با توجه به امکانات کنونی نیست و ممکن است این گسترش، رفته رفته با افزایش سرمایه گذاری تحقق یابد. میانگین تولید روزانه نیز میزان تولید عادی را برای هر عضو مشخص می کند و از سوی دیگر درجه تمرکز اعضای اوپک را از نظر تولید نسبت به دیگر کشورها نشان می دهد.

قوانین زیست محیطی، فناوری، هزینه جابه جایی، سهم مصرف نفت از انرژیهای مصرفی جهان، سهم اوپک از تولید جهانی و روابط شرکتهای نفتی و تولیدکنندگان عضو اوپک و... از جمله متغیرهای اثرگذار بر بازار نفت و عملکرد تولیدکنندگان اوپک در بازار نفت است.

براین پایه و با توجه به جدول و جمع بندی پایانی، می توان گفت که بیشتر متغیرها در سالهای فعالیت اوپک دگرگون شده و این امر بیان کننده ضرورت تجدید ساختار این سازمان است. درحالی که بسیاری از متغیرهای محتوایی که در ساختار و تصمیم گیری اوپک اثرگذار بوده یکسره دگرگون شده است، اوپک همچنان سیاستهای گذشته را پی می گیرد.

### آینده اوپک و راهکارهای پیشنهادی

پیروزی آینده اوپک در بازار نفت به دو عامل مهم وابسته است: نخست، ظرفیتهای مازاد تولید در کشورهای عضو اوپک، و دوم ذخایر استراتژیک و تجاری در کشورهای مصرف کننده. اما در کنار این دو عنصر اصلی، سیاست کشورهای مصرف کننده در برابر اوپک نیز بی تأثیر نخواهد بود. بنابراین از آنجا که عنصر نخست یعنی مازاد تولید در کشورهای عضو اوپک دارای وزن بیشتری نسبت به ذخایر استراتژیک است و با توجه به سیاستهای کنونی در بازار نفت



آرام آرام به اجرا در آید. همچنین سیاست کنونی اوپک نمی تواند عرضه را تا حد ایجاد کمبود نفت در بازار کاهش دهد زیرا از یک سو این کار با اساسنامه اوپک ناهمخوان است و از سوی دیگر وجود ذخایر استراتژیک باعث می شود که کاهش عرضه نفت اثر چندانی بر قیمت و کمبود نداشته باشد.<sup>۱۵</sup>

در کنار این مسئله، آژانس بین المللی انرژی نیز می تواند با سیاستهای خود تقاضا را تا حد عرضه کاهش دهد. همچنین باید گفت که عامل تقاضا و سیاست کشورهای مصرف کننده، در قیاس با عامل عرضه، دستکم در کوتاه مدت اثر بیشتری بر قیمت دارد و در درازمدت جهت این اثر گذاری یکسره بر عکس می شود.

تنظیم و اصلاح عرضه و تقاضا و تعیین بهای نفت در حد معقول نیز می تواند باعث اعتماد سازی در بازار نفت شود. ایجاد سازمانی در کنار یا در دل اوپک، در برگیرنده صادر کنندگان گاز نیز لازم به نظر می رسد تا ارتباط منطقی میان این دو منبع انرژی پدید آید و گذشته از پیدا شدن راه حلی برای از میان رفتن کشمکش میان اعضای اوپک، راه چاره ای نیز برای جلوگیری از کشمکش میان صادر کنندگان گاز و نفت فراهم شود.

از سوی دیگر، چون کشورهای عضو اوپک سخت به نفت و خرید آن از سوی کشورهای دیگر وابسته اند، پس قدرت اوپک باید بر مدیریتی استوار باشد که تقاضای نفت را در همه حال برای اعضا حفظ کند. بنابراین استراتژی اصلی اوپک می تواند بر پایه ضمانت و امنیت برای اعضا و گروههای سازگار با آنها شکل گیرد. این امنیت می تواند

می توان گفت که یکی از راههای چاره، پربایی سازمانی بزرگتر با اعضای بیشتر به جای سازمان کنونی است.<sup>۱۳</sup> همچنین، اوپک نیاز مند برنامه ریزی دراز مدت است تا روند حرکت این سازمان برای رسیدن به اهداف بلندمدت هدایت شود. سیاست های کوتاه مدت نباید این سازمان را از راه رسیدن به برنامه های دراز مدت دور سازد.

از سوی دیگر، چون کشورهای عضو اوپک از نظر وابستگی به نفت، میزان ذخایر، ظرفیت تولیدی، بهینه جغرافیایی و... متفاوتند، میزان دخالت این کشورها نیز در تصمیمات اوپک متفاوت است و حق رأی هر یک وزن خاصی دارد که می تواند به عوامل گوناگون بستگی داشته باشد. تفاوت وزنها، ساختار تازه ای در اوپک پدید خواهد آورد و چند کشور بزرگ تولید کننده را در این سازمان در مقام رهبر و دیگر اعضا را در مقام پیرو قرار خواهد داد؛ هر چند آنها نیز حق رأی و انتخاب دارند. کشورهای رهبر یا اصلی، کشورهایمانند عربستان، کویت، قطر، امارات متحده عربی و ایران هستند.

از مسائل دیگر در اوپک، سیاست کاهش تولید است که با توجه به قیمت های موجود در پیش گرفته شده است. اوپک برخلاف این استراتژی باید تولید خود را روز به روز افزایش دهد زیرا این تصمیم به افزایش تقاضا و مصرف نفت در درازمدت می انجامد.<sup>۱۴</sup> مشکل دیگر، افزایش تولید نفت از سوی تولید کنندگان مستقل است که کاهش تولید اعضا را بی اثر و سهم اوپک از تولید نفت جهان و در نتیجه نقش اوپک را بعنوان بازیگر اصلی در بازار نفت کاهش خواهد داد. گفتنی است که اجرای سیاست یاد شده، از سوی اوپک باید

جدول (۴): کسری تراز تجاری اوپک و بهای سبد نفت اوپک

سال	بهای سبد اوپک دلار بر بشکه	کسری تراز تجاری (میلیون دلار)	سال	بهای سبد اوپک دلار بر بشکه	کسری تراز تجاری (میلیون دلار)
۱۹۸۶	۱۲,۲۱	۵۱۴	۱۹۹۵	۱۵,۳۶	۱۶۰۷۲,۵
۱۹۸۷	۱۶,۴۳	۱۲۸۹۵	۱۹۹۶	۱۸,۹۴	۲۲۰۱۰,۲
۱۹۸۸	۱۳,۴۳	۸۹۶۷,۹	۱۹۹۷	۱۶,۲۶	۱۸۵۰۰
۱۹۸۹	۱۷,۰۶	۱۷۴۱۵,۶	۱۹۹۸	۱۰,۲	۸۷۷۱,۳
۱۹۹۰	۲۰,۴	۲۴۳۴۹,۳	۱۹۹۹	۱۵,۹	۲۱۸۱۱,۹
۱۹۹۱	۱۶,۹۹	۱۳۵۹۰,۲	۲۰۰۰	۲۵,۵۶	۴۸۰۱۲,۶
۱۹۹۲	۱۶,۸۷	۱۱۲۴۰,۲	۲۰۰۱	۱۹,۷۳	۳۹۷۰۱,۵
۱۹۹۳	۱۴,۷۸	۱۲۲۳۹,۶	۲۰۰۲	۲۲,۱۸	۳۴۴۳۲,۸
۱۹۹۴	۱۴	۱۳۸۱۶,۶	۲۰۰۳	۲۵,۳۶	۴۶۴۱۹,۴

Source: EIA and U.S. Census Bureau, Foreign Trade Division, Data Dissemination Branch, Washington, D.C. 2003.



ناظر به حفظ عرضه ثابت نفت باشد که اثری چشمگیر بر رفتار مصرف کنندگان نیز خواهد داشت.

جدول زیر این نکته را تأیید می کند که در سالهایی که بهای نفت بالا رفته است، میزان کسری تراز تجاری کشورهای اوپک نیز افزایش داشته است. از این رو اوپک برای رهایی از این کسری تراز پرداخت و نیز با توجه به ناخوشایند بودن بهای گران نفت برای دیگر کشورها و همچنین کمک به افزایش یافتن تقاضای نفت در درازمدت، ناگزیر است بهای نفت را در حدی پذیرفتنی نگه دارد.

واقعیت دیگر، ناتوانی اعضای اوپک در بهره گیری از شرایط مناسب مالی است؛ یعنی اعضای اوپک نتوانسته اند در شرایطی که درآمد مناسب داشته اند، درآمدهای خود را به شیوه ای درست به اقتصاد خود تزریق کنند و ساختار اقتصادی شان را دگرگون سازند و همچنان به صورت کشورهای وابسته به نفت و درآمدهای نفتی مانده اند. با این حال لازم به نظر می رسد که اوپک دامنه فعالیت خود را اندکی گسترش دهد و حتی در صورت امکان چگونگی کاربرد بخشی از پولهای به دست آمده از محل فروش نفت را به کشورهای عضو دیکته کند و برنامه ای فراگیر برای اعضای خود تنظیم نماید تا در برابر نوسانهای ناگهانی بازار در امان باشند.

اوپک نخست باید در یک مرحله تعدیل اساسی کوتاه مدت با کاهش تولید و اجرای سیاستهای کوتاه مدت باعث بالا رفتن بهای نفت شود و در مرحله دوم با سرمایه گذاری کافی در نظام انرژی و افزایش آرام آرام عرضه نفت، با دو ابزار تولید و بها، وارد بازار شود.<sup>۱۶</sup> چنین می نماید که اوپک گذشته از افزایش توان اقتصادی خود، باید به قدرت سیاسی خود نیز بپردازد و این کار تنها با جذب اعضای بیشتر و برقراری روابط نزدیکتر میان اعضا ممکن است. اما باید گفت که اعضای تازه و برخی دیگر از اعضای کنونی اوپک در قیاس با کشورهای مهم تولیدکننده نفت همچون کویت، عربستان، ایران، امارات متحده عربی و قطر و... چه از لحاظ حجم ذخایر و چه از جهت ظرفیت تولیدی و برخی دیگر از شاخص ها در رده پایین تری هستند. بنابراین اوپک باید در نظام تصمیم گیری خود مبنی بر حق رأی یکسان برای همه اعضا بازنگری کند.

## یادداشتها:

۱. سریر، محمد و هاشمی، مرتضی، اوپک و دیدگاههای آینده،

تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، چاپ دوم، ۱۳۶۹.

۲. بهای نفت را می توان به عوامل درونی بازار نفت و عوامل بیرونی همچون وضع اقتصادی آمریکا و رشد اقتصادی چین نسبت داد. عوامل درونی برخاسته از عرضه و تقاضای نفت و بازار کاغذی نفت است که برخی عقیده دارند بازار کاغذی حتی بهای نفت را از ۵ تا ۱۵ دلار از قیمت واقعی بازار بالاتر می برد. اقتصاد آمریکا از آن رو اهمیت دارد که آمریکا از یک سو بزرگترین مصرف کننده نفت است و از سوی دیگر بسیاری از شرکتهای نفتی هویت آمریکایی دارند. چین نیز به دلیل رشد اقتصادی بالای آن و پیش بینی روند رشد این کشور از عوامل مهم اثرگذار بر بازار شناخته شده است.

۳. سیاست آمریکا به جای اکتشاف نفت از آلاسکا و چرخش به سوی انرژی هسته ای، نشان از کاهش تقاضا در درازمدت دارد. هر چند ممکن است مکان مصرف تغییر یابد و کشورهای دیگر بر تقاضای خود بیفزایند، اما پرسش این است که چه زمانی بهای انرژیهای جایگزین به جای نفت صرفه اقتصادی پیدا می کند؟

۴. سخنرانی فهدی جلیلی با عنوان «اوپک و سردرگمی های آینده؛ ضرورت تجدید ساختار اوپک؟» در سمینار روند تازه انرژی جهانی و آینده نفت و انرژی برگزار شده در کاراکاس، ۱۳ و ۱۴ ژوئن ۲۰۰۰.

۵. سخنرانی علی النعمی وزیر نفت و منابع معدنی عربستان با عنوان «اوپک و صحنه دستخوش دگرگونی انرژی جهانی» در سمینار برگزار شده از سوی اوپک در وین، سپتامبر ۲۰۰۱.

۶. می توان نشست مشترک اعضای OPEC و IPEEC در ژانویه ۱۹۸۹ در لندن باهدف همکاری را نمونه ای از این دست دانست.

۷. علی النعمی، پیشین.

۸. البته این چالش نیز از تلاشهایی مایه می گیرد که برای ایجاد توازن به گونه اجباری میان تولیدکنندگان و همچنین در جهت متعادل کردن بازار در همه زمانها روی می دهد.

۹. گذشته از آن کشورهای چین و هند و برخی دیگر از کشورهای صنعتی نیز در تلاشند تا یارانه مصرف نفت را کاهش و قیمت آن را به مصرف کنندگان انتقال دهند.

۱۰. خروج گابن و اکوادور از اوپک به علت بالا بودن حق عضویت، نمونه ای از آن است.

۱۱. درخشان، مسعود، «اوپک و منافع ملی»، مجلس و پژوهش، شماره ۳۴، سال نهم، تابستان ۱۳۸۱، صص ۲۳۴-۱۸۹.

۱۲. گفتنی است که به علت افزایش بی مانند تقاضا در سالهای ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۴ اوپک این افزایش را جبران کرد و کمبود عرضه در بازار به چشم نمی خورد. اما این کار باعث کاهش ظرفیت مازاد از بازار گشت و آرامش بازار تا اندازه ای از میان رفت و در نتیجه بهای نفت نیز افزایش یافت.

۱۳. دبیر کل اوپک به هنگام اعلام درخواست قزاقستان برای حضور در نشست سران اوپک با عنوان ناظر گفت: «کشورهای تازه ای به زودی در اوپک عضویت خواهند یافت».

- روبرت پرایدل، مدیر اجرایی آژانس بین‌المللی انرژی، تحولات بازار نفت، مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی
۷. سریر، محمد و هاشمی، مرتضی، *اوپک و دیدگاه‌های آینده*، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ دوم، ۱۳۶۹.
۸. درخشان، مسعود، «*اوپک و منافع ملی*»، مجلس و پژوهش، تهران: انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره ۱۳۸۱، ۳۴.
۹. بهروزی‌فر، مرتضی، «*بازارهای جهانی و چالش‌های فراروی اوپک*»، همان.
۱۰. گزارش سالانه اوپک ۲۰۰۳ و صندوق اوپک.
۱۱. جلالی نائینی، احمد، و عسلی، مهدی، «*رفتنار چرخه‌ای و تداوم شوک: قیمت‌های نفت خام*»، *Opec Review*
۱۲. مجموعه سخنرانی‌ها در سمینار «*روند تازه انرژی جهانی و آینده نفت و انرژی*» برگزار شده در کاراکاس، ۱۳ و ۱۴ ژوئن ۲۰۰۰.
۱۳. مجموعه سخنرانی‌ها در سمینار برگزار شده از سوی اوپک در وین، سپتامبر ۲۰۰۱.
۱۴. بولتن آماری سالانه اوپک (۲۰۰۳).
15. "OPEC Supply Policy", *Economic Review*, No.210, June 2004.
16. Razavi, H., Fesharaki, F., "OPEC's push into re-refining; Dilemma of intonations between crude and product markets", *ENERGY POLICY*, June 1984.

۱۴. جلالی نائینی، احمد و عسلی، مهدی، «*رفتنار چرخه‌ای و تداوم شوک: قیمت‌های نفت خام*»، *OPEC Review*
۱۵. البته اکنون به علت بالا بودن هزینه این ذخایر، کشورهای به ذخیره کمتری گرایش دارند. (دکتر تکین، کارشناس بین‌المللی نفت)
۱۶. صدیقی، امیرعباس و گمار، پوران، *برنامه‌ریزی انرژی در کشورهای در حال توسعه*، قسمت منابع طبیعی و انرژی بخش همکاری‌های نفتی برای توسعه سازمان ملل متحد، مرکز نشر سمر، ۱۳۷۶.

### منابع:

۱. العتیه، مانع سعید، *اوپک و اقتصاد نفت*، ترجمه دکتر اسماعیل آیتی، انتشارات چاپخانه دانشگاه فردوسی (مشهد)، ۱۳۶۹.
۲. وکیل، امیرساعده، *اوپک در یک نگاه*، انتشارات مجد، تهران ۱۳۸۰.
۳. مدنی، امیرباقر، *اوپک و اثرات تخریبی تطبیق قیمت نفت*، مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ اول، پاییز ۱۳۶۳.
۴. احمدیان، مجید، *اقتصاد نظری و کاربردی نفت*، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، پژوهشکده اقتصاد، ۱۳۷۸.
۵. احمدیان، مجید، «*معیار اندازه‌گیری قدرت بازاری کارتل نفت و کاربرد آن برای ملل اوپک*»، *تحقیقات اقتصادی*، تهران: انتشارات دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، شماره ۴۱، ۱۳۶۸.
۶. «*از بحران نفت تا بحران اوپک: دیدگاه مصرف‌کنندگان*»، سخنرانی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی